

گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

سرسخن: بسی رنج درین سال سی / به احیای گنجینه پاریس • باقابه، پاتابه، پاتاره / علم‌نرف ساقی • یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل غلصی • یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / صادالدين شيخ المکماي • رساله نخبة الوزراء تأليف نصرالله دمازندى / قاسم قرب • استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا بابک / سلمان، اثر سزی • دمنیان / دوشمیان / دمنی / دومی / ج. ط. زند (سروش) • دیوان قزخی سیستانی با کتابت عبرت نایینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود عالی‌پور • کتابچه چهل‌ستون شاه عباس، سرورده محمد بیگ فرصت / لافله بوجار • تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کلمی • واژه «لُخْم» / محسن ناکرالمصنی «بونده» • آیا کتاب گشایش و زهائش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری • نقلی بر تصحیح کتاب بدایع اللوح / میلاد یگدلو • نقلی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن تریفی ضمیر • نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی • پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابرارالسود • آثار مصطفی عالی اقلندی / نصرانه صالحی • آنگ فلدزیویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی غیسانولین، ترجمه: محمادین کیوانی • گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرمی داشت یاد و نام ی. ت. پ. دیروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) / علیرضا سیدغراب • نقلی بر نوشته علیرضا هاشمی زاهد درباره چاپ اخیر منظومه صراط‌المخط / علی صفوی آوندی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز نشر دانشگاهی تهران
چاپ: مهرماه ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه



۹۶ - ۹۷

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از کعبه در دستنویسی از شهنامه
سلطان سلیم، به شماره ۳۵۹۵ در مجموعه احمد ثالث
در کتابخانه موزه طویق‌پای سرایی، بی‌تاریخ. نسخه به
رسم خزانه کتب مرادخان بن سلیم خان (حک ۹۸۲ -
۱۰۰۳ ق) و در همین دوره کتابت شده‌است.

فهرست

سرخن

بسی رنج بردم درین سال سی / به احیای گنجینه پارسی ۵-۶

بستار

بافتابه/ بافتابه/ بافتاوه / علی‌اشرف صادقی ۷-۸

یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل خطیبی ۹-۱۵

یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۱۶-۱۸

رساله نخبة الوزراء تألیف نصرالله دماوندی / قاسم قریب ۱۹-۲۶

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا (بابک) سلمانی؛ آرش سزی ۲۷-۲۹

دمنیان/ دومیان/ دمنی/ دومی / ج. ط. نژاد (سروش) ۳۰-۳۱

دیوان فرخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود علی‌پور ۳۲-۴۱

کتابچه چهل ستون شاه عباس، سروده محمد بیگ فرصت / فاطمه بوجار ۴۲-۴۸

تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی ۴۹-۵۲

واژه «رُخْم» / محسن ذاکر الحسینی «پرنده» ۵۳-۵۷

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری ۵۸-۶۳

نقد و بررسی

نقدی بر تصحیح کتاب بدایع الملح / میلاد بیگلر ۶۴-۷۸

نقدی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن شریفی صبحی ۷۹-۸۳

نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی ۸۴-۹۲

پژوهش‌های دبایستی

پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابن‌الرسول ۹۳-۱۰۵

ایران در متون و منابع عثمانی (۳۴)

آثار مصطفی عالی افندی / نصرالله صالحی ۱۰۶-۱۰۸

آشنایی با سخنرسان و متن پژوهان (۶-۷)

آلگ فدرویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی خیسماولین؛ ترجمه: مجدالدین کیوانی ۱۰۹-۱۱۳

گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرامی‌داشت یاد و نام ی. ت. پ. دبروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) /

علی‌اصغر سید غراب ۱۱۴-۱۲۳

دبایه‌شناسی و دبایستی

نقدی بر نوشته علیرضا هاشمی‌نژاد در باره چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط / علی صفری آق‌قلعه ۱۲۴-۱۳۰



دکتر شهرام آزادیان

(هجدهم آذر ۱۳۵۲ - بیست و دوم تیر ۱۴۰۲)

درگذشت ناگهانی دکتر شهرام آزادیان، استاد دلسوز گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران، موجب دریغ و افسوس بسیار شد و همکاران و شاگردان او را در اندوهی گران فرو برد. گزارش میراث خود را در غم ایشان شریک می‌داند و برای خانواده و دوستان او آرامش و بردباری آرزو می‌کند.
یادش گرمی و روانش قرین آرامش باد.

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟

محمد رضا توکلی صابری

persidex@hotmail.com

نسخه خرید شده باشد و در یک مجموعه خصوصی در ایران و یا در خارج از کشور نگهداری شود.

تا پیش از انتشار خوان الاخوان توسط یحیی الخشاب، بعضی نویسندگان مانند مهدی بیانی و مجتبی مینوی گشایش و رهایش را از آن ناصر خسرو نمی دانستند و رونوشت برداران درباره انتساب آن به ناصر خسرو مردد بودند؛ ولی چنین نظریه‌هایی در زمانی ابراز شد که اطلاعات زیادی از آثار ناصر خسرو وجود نداشت. ایوانف، سعید نفیسی، و هونزایی از کسانی هستند که کتاب گشایش و رهایش را اثر ناصر خسرو می دانند. اما پس از قطعی شدن انتساب گشایش و رهایش به ناصر خسرو، در پژوهشی دیگر شکوفه میدی نه تنها آن را اثر ناصر خسرو ندانسته، بلکه محتوای آن را نیز کتاب گشایش و رهایش نمی داند، بلکه معتقد است این کتاب در نقد و رد گشایش و رهایش نوشته شده است: «کتابی که با نام گشایش و رهایش انتشار یافته، در واقع نقد و ردی بر گشایش و رهایش است. در نتیجه، فردی که در چاپ‌های مختلف این کتاب کاتب غیراسماعیلی و سانسورچی متن اسماعیلی کتاب خوانده شده، در واقع نویسنده کتاب مستقلی است که می توان آن را نقد یا رد بر گشایش و رهایش نامید» (میددی، ۱۳۹۹: ۲۶۵).

در این که کاتب گشایش و رهایش در متن دست برده و عباراتی را که با آن موافق بوده حذف کرده و جاهایی عباراتی را در نقد بر کتاب آورده است شکی نیست، زیرا خودش در پاسخ به پرسش بیست و نهم نقش خود را به عنوان سانسورچی تأیید می کند: «این جا نیز حشوات و خیالات و قیاسات ناصحیح بسیار بود، بگذاشتیم که بدان کاری نداشتیم، آن چه به علم نزدیک تر بود نوشته آمد» (ناصر خسرو، ۱۴۰۱: ۱۲۶). بعضی از رونوشت برداران و مصححان این کتاب به این نکته اشاره کرده اند، از جمله ولادیمیر ایوانوف، سعید نفیسی، و مجتبی مینوی، که عبارات افزوده شده کاتب را در متن مشخص کرده اند؛ اما فقیر محمد هونزایی این عبارات را از ویرایش خود حذف کرده است.

به نظر می رسد که کاتب سنی مذهب بوده است، چون بیش تر توضیحات و افزوده‌های او در مسائل فلسفی و کلامی و امامت است. برای مثال، در پاسخ به پرسش اول

کتاب گشایش و رهایش یکی از آثار ناصر خسرو قبادیانی است که در طی سی پرسش و پاسخ علاوه بر مسائل دینی، کلامی، فلسفی، و هستی‌شناسی، به موضوعاتی مانند فیزیک، نجوم، و گیاه‌شناسی و زمین‌شناسی می پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ‌های فلسفی می دهد. همه نسخه‌های خطی و چاپی گشایش و رهایش موجود در ایران از روی نسخه‌ای رونویسی شده که متعلق به سید نصرالله تقوی بوده است. این نسخه گشایش و رهایش در یک مجموعه حاوی سه کتاب است، در ۱۷۲ برگ و هر صفحه ۲۱ سطر. اولین کتاب کشف المحجوب ابویعقوب سجستانی است، کتاب دوم گشایش و رهایش، و کتاب سوم کتاب کوچکی با عنوان معرفت آفرینش انسان. هانری کربن تاریخ کتابت این نسخه را قرن ششم می داند، اما نفیسی با تشخیص او موافق نیست و آن را متعلق به قرن هشتم هجری می داند. نفیسی دو دلیل برای این تاریخ گذاری می آورد، یکی این که در پشت ورق اول این نسخه صاحب آن نوشته که آن را در سال ۸۰۴ قمری خریداری کرده است و دیگر آن که نوع رسم الخط و کاغذ کتاب مربوط به پیش از سال ۸۰۴ هجری است. از این نسخه چند بار رونویسی شده و چند رونوشت از آن وجود دارد. از این مجموعه جز رونوشت‌هایی که از آن باقی است هیچ اطلاعی در دست نیست و در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورها دیده نمی شود. احتمال زیادی دارد که این

شبهات‌های فلسفی و کلامی در گشایش و رهایش با دیگر آثار ناصر خسرو، مانند زاد المسافر، خوان الاخوان، جامع الحکمتین، وجه دین، و دیوان اشعارش اشاره می‌کنیم. خوانندگان می‌توانند با نگاه دقیق‌تر شبهات بسیار بیش‌تری پیدا کنند.

دلایل انتساب گشایش و رهایش به ناصر خسرو قبادیانی

۱. ذکر نام این کتاب در کتاب دیگر ناصر خسرو، یعنی خوان الاخوان. ناصر خسرو در صف دهم از کتاب خوان الاخوان می‌نویسد: «عقل کل نخست پدیدآورده باری است و تمام است به فعل و قوت. چنان‌که شرح آن اندر گشایش و رهایش گفته‌ایم» (ناصر خسرو، ۱۳۹۴: ۵۰). اشاره او به مطلبی است که در پاسخ به پرسش اول گشایش رهایش آمده است: «آن عقل اول است که به فعل و قوت تمام است، و آفریدگار و کارکن به حقیقت وی است» (همو، ۱۴۰۱: ۴۳). نیز در صف سی و یکم از کتاب خوان الاخوان می‌نویسد: «و بار درخت را بر برگ و شاخ ریاستی پیدا است که همه فوایدها از درخت سوی او شود، و پایداری و عز درخت به بار است. و هم چنین است حال جانوران که نخست، جانوران سخن‌ناگوی بوده‌اند و آن وقت مردم، آخر هم همه جانوران پدید آمده است و برهان این دعوی روشن کرده شده است اندر گشایش و رهایش که کرده‌ایم» (همو، ۱۳۹۴: ۱۲۷). اشاره او به مطلبی است که در پاسخ به پرسش شانزدهم گشایش و رهایش آمده است: «چون آخر زایش این عالم مردم بود و چیزی که به آخر پیدا آید، آن چیز دلیل باشد بر آن که اصل آن چیز که به آخر پیدا آمده باشد همین چیز بوده است. چنان‌که درخت جوز یا بادام چون بار بیارد، خردمندان دانند که آن از اول جوز و بادام نشانه‌اند تا امروز این بار بدان بازگشت» (همو، ۱۴۰۱: ۱۰۰).

۲. عشق به المستنصر بالله که در اشعار متعدد و کتاب‌هایش او را ستوده است، و این‌که در روزگار او می‌زیسته است و در جواب به مسئله بیست و دوم

در کتاب گشایش و رهایش می‌افزاید: «و ظن آن است که این سخن را در این شیوه از بهر آن گفته است تا اگر کسی اظهار مذهب امامت‌یان کند و کسی در نیابد گوید این هم از آن سخن‌هاست ما نیز به سر هر حدی که تهمتی هست اشارتی کنیم تا آن شبهات بعضی برخیزد... امام معصوم در قرآن و اخبار کجاست تا ما این دلیل بر متابعت آن بشنویم؛ و اگر بنا بر تقلید می‌باید رفت سنت انبیاء را چه خلل افتاد که متابعت اولیا از آن بزرگ‌تر می‌آید، آن حجت‌ها که آورده است سخن آن دو قوم نیست که [در] آن پیش از اسلام حکمای یزدان‌پرست و حاذق‌نظران تأمل کرده‌اند و راه نجات خود را طریق معقول اعتراض مجهول روا نبود و آنچه محض حکمت بود آن خود بخشیده الهی است که ﴿و من یؤتی الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا﴾» (همان: ۱۱). علاوه بر آن، ناصر خسرو تا آن‌جا که می‌تواند از واژه‌های فارسی استفاده می‌کند، اما توضیحات کاتب پر است از واژه‌های عربی که در متن گشایش و رهایش دیده‌ نمی‌شود، مانند علی الاطلاق، حصول، مستجمع، مکلف، واسطه، و مسبب الاسباب.

اگر این کتاب ردی بر کتاب گشایش و رهایش باشد، چرا نویسنده همان عنوان اصلی کتاب را انتخاب کرده است و مانند پیشینیان دست‌کم واژه «رد» و یا «نقد» را در عنوان کتاب نیاورده است؟ علاوه بر آن، وقتی کسی نقدی بر کتابی می‌نویسد، عباراتی از آن را نقل می‌کند و به‌طور مشروح به نقد آن می‌پردازد و به‌ترتیب اندیشه درونی آن را رد می‌کند. به این ترتیب است که متن نقدکننده یک کتاب همیشه بیش از متن نقدشده است. در حالی که بخش اعظم کتاب گشایش و رهایش که در دست داریم حاوی اندیشه‌های ناصر خسرو است و این‌جا و آن‌جا کاتب ظاهر می‌شود و جملات و یا عباراتی را در توضیح و یا نقد متن اضافه می‌کند و نقش ممیزی خود را اعلام می‌کند.

به این ترتیب می‌بینیم که این نظریه نادرست است و می‌توانیم به‌طور قطع بگوییم که کتاب گشایش و رهایش را خود ناصر خسرو تألیف کرده است و نسخه‌ای که در دست داریم توسط کاتب دچار تغییراتی شده است. در زیر ما به‌طور مختصر به بعضی شبهات‌های عبارات و نیز

سوم شخص پرسشی را مطرح می‌کند و سپس خود پاسخ می‌دهد.

ناصر خسرو در قصیده ۱۰۵ دیوانش (همو، ۱۳۸۰: ۲۵۷) شرح سفر خود را می‌گوید و پرسش‌های خود را از دربان شهر می‌پرسد و در قصیده سیزدهم اصول بنیادین تفکر فلسفی و کلامی خود را بیان می‌کند (همان: ۱۳۷) و در کتاب‌های دیگرش، مانند گشایش و رهایش، خوان الاخوان، زاد المسافر و جامع الحکمتین پاسخ آن‌ها را شرح داده‌است. مثلاً: «وحدت محض و تفاوت آن با وحدت متکثر، جایگاه عقل اول و ربط آن با کلمه امر از سویی و زمان از سوی دیگر، ربط نفس و فلک و حرکت، تمسک بهر تمثیل عدد و واحد برای نشان دادن ربط آفریدگار و جهان، پرسش از معنای عدم و هیچیز، پرسش از ماهیت و کنش آخشیجان و تأکید بر جایگاه امام زمان در رهایی مردمان از تخته‌بند مکان و زمان» (نک. فاموری، ۱۳۹۸).

او در قصیده سیزدهم دیوانش پرسش‌های زیادی را طرح کرده که در کتاب‌های فلسفی‌اش هم آن‌ها را پرسیده و پاسخ داده‌است:

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا
نه اندر وحدتش کثرت، نه محدث را از او آنها
چه گویی از چه عالم را پدید آورد از اوّل
نه ماده بود و نه صورت نه بالا بود و نه پهنا
یا در همان قصیده:

چه گوئی چیست این پرده بر این سان برهوا برده
چو در صحرای آذرگون یکی خرگامی از مینا؟
... چو نه گنبد همی گوئی به برهان قیاس آخر
چه گوئی چیست از بیرون این نه گنبد خضرا؟

(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸)

سپس خود در بیت‌های بعد به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و دیدگاه‌های فلسفی‌اش را بیان می‌کند. او در جامع الحکمتین نیز همین شیوه پرسش و پاسخ را به کار می‌گیرد: «اگر کسی گوید: حقیقت

کتاب‌گشایش و رهایش آمده‌است: «و من به دستوری خزان‌دار علم و محزون و امین سر خدای و روزی ده جان‌های مومنان امام روزگار خویش ابوتمیم معد المستنصر امیر المومنین در این سخن گویم به گفتار کوتاه بافایده بی‌حشو، خدای تو را توفیق دهد به شنودن آن به حق و اعتقاد داشتن آن به راستی» (همان: ۱۰۵). در قول بیست‌وپنجم از کتاب زاد المسافر نیز همین موضوع را می‌نویسد: «و مر نبشته الهی را - که اندر آفاق و انفس است - به متابعان خاندان حق نمایم به دستوری کز خداوند روزگار خویش الامام المستنصر بالله معد ابی‌تمیم بن الامام الظاهر لاعزاز دین الله امیرالمومنین - صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و ابنائه الاکرمین - یافته‌ایم اندر جزیره خراسان» (همو، ۱۴۰۰: ۴۱۴). در کتاب خوان الاخوان نیز می‌نویسد: «این است قول گروهی اندر برزخ که یاد کرده شد، و ما حقیقت برزخ به فرمان خداوند روزگار المستنصر بالله - صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین و ابنائه الاکرمین - اندر کتاب مصباح یاد کرده‌ایم» (همو، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

۳. ناصر خسرو اولین کسی است که مفاهیم فلسفی را

وارد شعر کرد و معادلات فارسی زیادی برای مفاهیم و اصطلاحات عربی ساخت و آن‌ها را در آثارش به کار برد، مانند هم‌گوشگی و هم‌گوشه و باشاننده. نیز واژه‌هایی مانند کارکرد، کارکن، بودش، بودنی، سونش، زایش، چیز، هیچیز، چه چیز را در همه آثار منشورش و کتاب‌گشایش و رهایش به کار برده‌است.

۴. نثر مشخص ناصر خسرو که در سایر کتاب‌هایش

دید می‌شود. مانند سعی در به کار بردن واژه‌های فارسی به جای عربی، مانند هستی و نه‌هستی به جای وجود و عدم، بودش به جای وجود، باشاننده به جای خالق، و دیرینگی به جای قدم.

۵. شیوه پرسش و پاسخ و روش استدلال ناصر خسرو،

چنان‌که پرسشی را طرح می‌کند و سپس خود به آن پاسخ می‌گوید، یا از قول دوم‌شخص یا از سوی

اندر عالم جسم نخست نبات است و آن‌گاه حیوان است و آن‌گاه مردم است، و جسم مردم نخست نباتی پدید آید آن‌گاه حیوانی بدو رسد آن‌گاه انسانیت اندر او پدید آید، اندر عالم دین نیز مردم نخست باید که مر "امام" را بشناسد که او را منزلت نبات است، آن‌گاه از او به شناخت منزلت "وصی" رسد که مر او را منزلت حیوان است اندر عالم دین، آن‌گاه از او به شناخت "ناطق" رسد که مر او را منزلت مردم است اندر عالم دین. این ترتیبی است بر مقتضای آفرینش که بنیاد دیدن بر آن است» (همو، ۱۴۰۰: ۴۹۰). همین مفهوم را در سیزدهمین قصیده دیوان اشعارش به شعر سروده است:

خرد دان اولین موجود، زان پس نفس و جسم آنگه
نبات و گونه‌گون حیوان و آنگه جانور گویا
همه هر یک به خود ممکن، بدو موجود و ناممکن
همه هر یک به خود پیدا، بدو معدوم و ناپیدا

(همو، ۱۳۸۰: ۲۷)

همچنین در پاسخ به پرسش ششم در گشایش و رهایش، هنگام بحث در مورد این‌که ابتدا مرغ بوده است یا تخم مرغ، می‌نویسد: «هست واجب به مثل چون مرغ است و هست ممکن چون خایه مرغ. و نشاید بود که خایه مرغ از حد خایگی به مرغ رسد مگر به یاری مرغ که از او به حاصل آمده باشد» (همو، ۱۴۰۰: ۵۹). همین موضوع در قول بیست و چهارم از زاد المسافر آمده است: «بر مثال مرغی که امروز هست [و] واجب الوجود است و مر مرغی دیگر را که اندر خایه هست [و] به منزلت ممکن الوجود است [همی اندر چیز هست آرد که آن واجب الوجود است» (همو، ۱۴۰۰: ۳۶۸). در پاسخ به پرسش پنجم در گشایش و رهایش می‌نویسد: «همچنانک هیچ نبشته‌ای که از دبیر اثر است مر دبیر را نشناسد» (همو، ۱۴۰۱: ۵۸). در جامع الحکمتین مشابه همین جمله را می‌نویسد: «چنان که دبیری از دبیر اثر است و دبیری نداند که مر او را دبیر چگونه پدید آرد و نداند که دبیر چگونه است» (همو، ۱۳۶۳: ۲۳۹).

"هیولی" چیست؟ گوییم: جوهری بسیط است پذیرای صورت. اگر گوید: حقیقت "صورت" چیست؟ گوییم: صورت هر چیزی آن است که هستی آن چیز بدان است. اگر گوید: "جوهر" چیست؟ گوییم: چیزی است بذات خویش قائم و پذیرای صفات متضاد. اگر گوید: حقیقت "صفت" چیست؟ گوییم: صفت عرضی است که اندر جوهر فرود آید، و نه از جوهر باشد. اگر گوید: حقیقت "چیز" چیست، یعنی نام چیز بر چه افتد؟ گوییم: بر آن معنی افتد نام چیز که ممکن باشد او را دانستن، و زو خبر دادن. اگر گوید: حقیقت "موجود" چیست؟ گوییم که موجود آن است که یا حاستی از پنج حاست مر او را اندر یابد، یا وهم مر او را تصور کند، یا چیزی برو دلیل کند. اگر گوید: "وجود" چیست؟ گوییم: آنک نام او هست است. اگر گوید: "عدم" چیست؟ گوییم: آنک نام او نیست است. اگر گوید: حقیقت "قدیم" چیست؟ گوییم: آنک نیستی او ممکن نباشد. اگر گوید: حقیقت "محدث" چیست؟ گوییم: آنچه دیگری سازنده باشد مر او را. اگر گوید: حقیقت "علت" چیست؟ گوییم: آنچه او سبب بودش چیزی دیگر باشد، چنانک آفتاب علت روز است، که بودش روز را سبب اوست. اگر گوید: حقیقت "معلول" چیست؟ گوییم: آنچه وجود او را سببی باشد، او معلول باشد» (همو، ۱۳۶۳: ۸۷-۸۸).

۶. شباهت بعضی عبارات‌ها و موضوع‌های کتاب گشایش و رهایش با بعضی عبارات‌ها و موضوع‌ها در کتاب‌های دیگرش از نظر جمله‌بندی و پیام ارائه‌شده، همچنین شباهت‌های دیدگاه فلسفی و کلامی در کتاب گشایش و رهایش با کتاب‌های فلسفی دیگرش، مانند زاد المسافر، خوان الاخوان، جامع الحکمتین و وجه دین فراوان است. ناصر خسرو سلسله‌مراتب جانداران را به ترتیب زیر می‌داند: گیاهان، جانوران و انسان. در قول بیست و هفتم از کتاب زاد المسافر همین سلسله‌مراتب را با سلسله‌مراتب دعوت اسماعیلیه این چنین مقایسه می‌کند: «پس همچنان که

در پاسخ به پرسش بیستم در گشایش و رهایش نوشته است: «چنانک از کارکرد مردم چیزی هست که به کارکرد طبایع ماند، چون ساختن آبگینه از نبات و ساختن عقیق از نوعی از انواع سنگ... و چون جفت دادن اسب با خر مر زایش استر را» (همو، ۱۴۰۱: ۹۱). در خوان الاخوان همین موضوع را بیان کرده است: «و نفس مردم با جزویت خویش چیزها همی بیرون آرد که عالم با بزرگی خویش آن بیرون نیاورده است. چون پدید آوردن آبگینه از سنگ و نبات و بیرون آوردن ابریشم از برگ درخت توت به یاری کرم قز و بیرون آوردن نوعی حیوان از میان دو نوع چون استر از میان اسب و خر و جز آن» (همو، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

در پاسخ به پرسش بیست و سوم در گشایش و رهایش چنین آمده است: «چنانک امیرالمومنین علی مردی بود که در هویت خویش بسیار بود. و امروز آن بسیاری ظاهر شده است از این چندین هزار علوی که از او در جهان پیدا شد و همی شود» (همو، ۱۴۰۱: ۱۰۴). همین فکر در جامع الحکمتین به این صورت آمده است: «چنان که جنس چندین هزار علوی که در عالم است نیز [از] یک مرد بوده است. که جفت او از او بوده است. اعنی علی و فاطمه» (همو، ۱۳۶۳: ۲۳۷).

ناصر خسرو در کتاب‌های وجه دین، جامع الحکمتین، زاد المسافر، و دیوان اشعارش به سلسله مراتب اسماعیلی و حجت بودن خود اشاره می‌کند. در پاسخ به پرسش بیست و هفتم در کتاب گشایش و رهایش می‌نویسد: «چنانک مؤمن مستجیب بر "مأذون" پیشی نجوید که من بهتر از اویم و دائم؛ و مأذون منزلت "داعی" دعوی نکند، و نه داعی منزلت "حجت"، و نه حجت منزلت "امام"، و نه امام منزلت "اساس" و نه اساس منزلت "ناطق". و هر که از این گروه برتران سوی او قصد کند سوی دست چپ تافته باشد، و هر که از صراط بتابد ناچار به دوزخ اندر افتد» (همو، ۱۴۰۱: ۱۲۱). در جامع الحکمتین همین سلسله مراتب را در دعوت اسماعیلی از بالا به پایین ذکر می‌کند: «و مراتب دعوت نیز

هفت منزلت است، از رسول و وصی و امام و حجت و داعی و مأذون و مستجیب» (همو، ۱۳۶۳: ۱۱۰) و در جای دیگری از همان کتاب می‌گوید: «چنانک رسول فرعست مر او را و اصلست مر وصی را. و وصی فرعست مر رسول را و اصلست مر امام را. و امام فرعست مر وصی را و اصلست مر حجت را. و حجت فرعست مر امام را و اصلست مر داعی را. و داعی فرعست مر حجت را و اصلست مر اهل دعوت را» (همان: ۱۵۴-۱۵۵). در گفتار سی و دویم وجه دین نیز می‌نویسد: «بار دیگر توانگر اساس است و زکوة مال او کمتر است از زکوة مال ناطق، بدانچه پرورش اساس مر امام راست و پرورش امام مر حجت راست و زکوة مال او کمتر از زکوة مال اساس است و زکوة مال حجت کمتر از زکوة مال امام است و پرورش حجت مر داعی راست و آن زکوة مال داعیست و پرورش مأذون مر مستجیب راست و آن زکوة مال مأذونست و مستجیب درویش به حقیقت است» (همو، ۱۳۸۴: ۲۰۶؛ نیز نک. همان: ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۴).

البته ممکن است گفته شود که موضوعات کلامی و فلسفی اسماعیلیان شبیه یکدیگر است و کتاب گشایش و رهایش ممکن است نوشته هر نویسنده اسماعیلی دیگری باشد؛ ولی این شباهت موضوعها نیست، بلکه شباهت متن و دیدگاه فلسفی و کلامی نیز وجود دارد.

نوع مسائل فلسفی که نویسنده گشایش و رهایش با آنها درگیر است در کتاب‌های دیگر ناصر خسرو نیز مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال، در پرسش هشتم کتاب گشایش و رهایش در مورد این که آیا نفس اعتدال طبایع است یا نه و آیا بر آن ثواب و عقاب لازم می‌آید، به‌طور مفصل سخن گفته شده و نظر کسانی که معتقد بودند نفس اعتدال طبایع است به این ترتیب رد شده است: «پس درست شد که نفس اعتدال نیست، و هم چنانک دو جسم سپید که جمله شوند نشاید که رنگی آید جز سپید و چنانک دو جسم سیاه به هم آیند جز سیاه چیزی دیگر نیاید، روا نباشد

با ارجاعی که در کتاب خوان الاخوان به گشایش و رهایش شده و با وجود شباهت‌های واژگانی، عبارتی، و اندیشه‌های کلامی و فلسفی، به‌طور قاطع می‌توان گفت که این کتاب از آن ناصر خسرو است و نه کسی دیگر.

منابع

- فاموری، مهدی (۱۳۹۸). «شرح قصیده‌اول دیوان ناصر خسرو قبادیانی». نشریه علمی پژوهش‌های ادب عرفانی (گهر گویا)، سال سیزدهم، شماره سوم (پاییز)، پیاپی ۴۲: ۳۴-۱.
- میبیدی، شکوفه (۱۳۹۹). «بررسی اصالت متن گشایش و رهایش». آینه میراث، ش ۶۷: ۲۶۵-۲۸۴.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۶۳). جامع الحکمتین. به تصحیح هانری کربن و محمد معین. تهران: کتابخانه طهوری.
- _____ (۱۳۸۰). دیوان اشعار. به اهتمام سید نصرالله تقوی. تهران: معین.
- _____ (۱۳۹۴). خوان الاخوان. به تصحیح سید علی اصغر میرباقری فرد، احسان رئیسی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات شهید بهشتی.
- _____ (۱۴۰۰). زاد المسافر. شرح لغات و اصطلاحات سید اسماعیل عمادی حائری، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری. ویراست دوم، چاپ سوم. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۴۰۱). گشایش و رهایش. به کوشش محمدرضا توکلی صابری. تهران: معین.
- _____ (۱۳۸۴). وجه دین. تهران: اساطیر.

که چون مخالفان جمع شوند از ایشان [چیزی] متفق به حاصل آید که محال باشد. و چون طبایع مخالفند یکدیگر را، روا نباشد که از جمله شدن ایشان چیزی آید موافق که اندر او خلاف نباشد. پس درست کردیم که اعتدال نیست» (همو، ۱۴۰۱: ۶۵). در «قول هفتم اندر نفس» کتاب زاد المسافر به همین ترتیب آن را رد می‌کند: «و ما گوئیم - به توفیق الله تعالی - که اعتدال آن باشد که از طبایع اندر یک جسد جزوهای متکافی جمع شود بی هیچ تفاوتی؛ و اگر جزوی از این چهار جزو اندر جسدی بیشتر یا کمتر از یاران خویش باشد آنجا اعتدال نباشد» (همو، ۱۴۰۰: ۶۰). همچنین در پرسش سوم از کتاب گشایش و رهایش می‌پرسد «آفریدگار که قادر است در آفریدن عالم چرا در آفریدگی عالم تاخیر کرد و نیافرید مر او را پیش از آن که آفرید؟»، و پاسخ می‌دهد: «پیدا کردیم که عالم پس از کردگار عالم بود، بی‌آنکه میان ایشان روزگاری بود، چون درست شد که پیش از آفرینش عالم روزگار نبود محال باشد که کسی گوید که ایزد تعالی در آفرینش عالم چرا تاخیر کرد تا بدان وقت که بیافرید مر او را، چه وقت خود به آفرینش عالم هستی یافت» (همو، ۱۴۰۱: ۱۰۰). این گفته مشابه با عنوان قول بیستم از کتاب زاد المسافر است: «اندر آنکه چرا خدای عالم [را] پیش از آنکه آفرید نیافرید». او به شیوه‌های مختلف منطقی اثبات می‌کند که این پرسش غیرمنطقی است و می‌گوید: «و چو همی (گوید): "خدای چرا اندر آفرینش عالم تا [به] هنگام آفرینش او تأخیر کرد؟" چنان همی گفته شودش که "از اول عمر خویش تا آن هنگام چرا تأخیر کرد؟" و آنچه مر او را اولی باشد محدث باشد؛ و اگر به قدیمی صانع مقرر است - و «قدیم» آن باشد که مر هستی او را اولی نباشد - پس محال گفته باشد که [تا به] فلان هنگام» چو نتواند گفتن که [«از» فلان هنگام]، از بهر آنکه چو مر هستی قدیم قدیم را و مدت او را از او حاصل نشود تأخیر اندر آن واجب نشود. و این بیانی شافی است مر عاقل ممیز را» (همو، ۱۴۰۰: ۲۹۵).

گزارش

Table of Contents

Editorial

In Thirty Years, I've Withstood Great Misery's Thrust/ To Save Persian literature, a Treasure Robust 5-6

Articles

Bāftāba/ Pāftāba/ Pāftāwa / Ali Ashraf SADEGHI 7-8

Shahname Studies Notes III / Abolfazl KHATIBI 9-15

A Relic of Imam Reza's Presence in the Great Mosque of Sāveh / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 16-18

Nukhbat al-Wuzarā Treatise, Penned by Naṣr Allāh-i Damāwandī / Ghasem GHARIB 19-26

A Few Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīkh-i Sīstān* II / HamidReza (Babak) SALMANI; Arash SERRI 27-29

Dumanīān/ Dūmanīān/ Dumanī/ Dūmanī / J. T. NAJAND (Soroush) 30-31

The *Dīvān* of Farrukhī-yi Sīstānī Copied by 'Ebrat-e Nā'īmī, Annotated by Malek al-Šo'arā Bahār / Mahmoud ALIPOUR 32-41

The Inscription of Shah 'Abbās II's Chihil Sutūn, Composed by Muḥammad Bayg-i Furṣat / Fatemeh BOUJAR 42-48

Editing of an Extant Qaṣīde by Šu'ūrī-yi Kāšānī in the Anthology of Ibn-i Khātūn / Ali KAMELI 49-52

On the Word *Rukhum* / Mohsen ZAKEROLHOSEYNI "Parand" 53-57

Did Nāṣir-i Khusraw write *Gušāyīš wa Rahāyīš* (Knowledge and Liberation)? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI 58-63

Reviews and Critiques

A Review of the Edition of *Badāye' al-Mulah* (Droll Novelties) / Milad BIGDELOU 64-78

A Review of the *Kullīyyāt-i* (collected works of) 'Ubayd-i Zākānī Edited by Mohammad Jafar Mahjoub / Mohsen SHARIFI SAHI 79-83

A Look at *The written world of God* / Reyhane BEHBOUDI 84-92

Essays on Research

A Proposal for Organizing Dissertations on Text Editing / Seyyed MohammadReza EBNORRASOUL 93-105

Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Works of Mustafa 'Āli Efendi / Nasrollah SALEHI 106-108

Introducing Codicologists and Textual Scholars (6-7)

Oleg Fedorovich Akimushkin / Majdoddin KEYVANI 109-113

A Shining Gem in This Earthly Sphere: In memory of J.T.P De Bruijn / AliAsghar SEYED-GOHRAB 114-123

On the Previous Articles

A Response to AliReza Hasheminejad's Review of the New Edition of *Širāf al-Khaṭf* (The Principle of Calligraphy) / Ali SAFARI AQ-QALEH 124-130